

کد گزارش : ۹۷-۵۵

آینده روابط فرقه‌گرایانه در خاورمیانه

مؤسسه رند

نویسندگان

جفری مارتینی

هیتر ویلیامز

ویلیام یانگ

ترجمه‌شده در

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

مرداد ماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کد گزارش : ۹۷-۵۵

عنوان گزارش: آینده روابط فرقه گرایانه در خاورمیانه

The Future of Sectarian Relations in the Middle East

نویسندگان: جفری مارتینی، هیتز ویلیامز، ویلیام یانگ

Samantha Gross

ناشر: مؤسسه رند

RAND Corporation

تاریخ انتشار: ۲۲ مه ۲۰۱۷

ترجمه: محسن محمودی و جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

مرداد ماه ۱۳۹۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

۱ ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۲ مقدمه
۲ روش
۳ مفروضاتی درباره تحول آینده فرقه‌گرایی در خاورمیانه
۷ محرک‌ها
۱۰ سناریوها
۱۱ سناریوی ۱: ظهور محلی‌گرایی
۱۲ سناریوی ۲: یک جناح مستحکم شیعی در وسط نابسامانی اهل سنت
۱۳ سناریوی ۳: سیاست لبه پرتگاه موجب تنش‌زدایی می‌شود
۱۵ سناریوی ۴: منازعه قومی و آوارگی موجب خود-جداسازی می‌شود
۱۷ نتیجه‌گیری
۱۹ یادداشت‌ها
۲۰ منابع

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک

مقدمه

فرقه‌گرایی، به ویژه نوع سنی-شیعه آن،^(۱) یکی از ویژگی‌های بارز چشم‌انداز خاورمیانه است. فرقه‌گرایی از جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن گرفته تا رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی و تا استراتژی‌های حاکم بر کشورهای کثیرالمذهب، به تحولات منطقه‌ای شکل می‌دهد. فرقه‌گرایی که سنجش یا تفکیک آن از دیگر عواملی که ممکن است با آنها روابط متقابل داشته باشد، کار دشواری است، مورد تمرکز جامعه اطلاعاتی ایالات متحده قرار دارد و وظیفه بررسی اهمیت این مسأله و پیش‌بینی تحول آن در طول زمان را برعهده دارد. چشم‌انداز حاضر، با ارائه سناریوهای پیرامون تحول فرقه‌گرایی در خاورمیانه طی دهه آتی به جامعه اطلاعاتی کمک می‌کند.

از رهگذر تحلیل ساختارمند^۱ -از جمله بحث‌های مفصل با کارشناس این حوزه- سناریوهای را ترسیم کرده‌ایم که بر مفروضات و محرک‌هایی استوار است که به باور ما در مورد چگونگی پیشبرد فرقه‌گرایی دارای اهمیت‌اند. این مفروضات و محرک‌ها بر غنای ترسیم سناریوهای ما افزوده‌اند، سناریوهای مبتنی بر این معیار که هر سناریو محتمل بوده و از نظر تحلیلی متمایز است، چنان که می‌توان آن را از سایر سناریوهای جایگزین تمیز داد. برای سهولت استفاده و «برجسته ساختن کارمان»، طرح کلی این مقاله از مراحل مذکور در روش ما تبعیت کرده و با بررسی مفروضات اساسی پژوهش آغاز می‌شود و در ادامه به بازبینی محرک‌ها و ترسیم سناریو می‌پردازد. ما بحث خود را با شناسایی موضوعات مرتبطی که برای پژوهش‌های آتی سودمند هستند، به پایان می‌رسانیم.

روش

سناریوهای که در این چشم‌انداز ارائه شده‌اند، حاصل داده‌های ورودی متعددی هستند. ما، در مقام نویسندگان و تیم پژوهشی، کار را با یک طوفان فکری ساختارمند^۲ در میان خودمان آغاز کرده و بخش‌های مجزایی را به مفروضات تقویت‌کننده سناریوها، محرک‌های فرقه‌گرایی و شیوه‌ای که این مفروضات و محرک‌ها را می‌توان در آینده‌های بدیل ابراز کرد، اختصاص دادیم. پس از انجام تمرینی داخلی، پیش‌نویسی از بخش‌های این سند تهیه کردیم تا فکر اولیه خود را بیش از پیش توضیح دهیم. با انجام این کار در حلقه داخلی خود، کارگاهی مشتکل از هشت کارشناس خارجی در این حوزه برگزار کردیم و در آن خواستار

1 structured analysis

2 structured brainstorm

یکی از مراحل اصلی فرآیند حل مسئله و تصمیم‌گیری، ایجاد گزینه‌های حل مسئله یا اتخاذ تصمیم است. راه‌های مختلفی برای ایجاد گزینه‌ها وجود دارد که برخی تحلیلی و گروهی نیز خلاقانه هستند. یکی از روش‌های خلاقانه ایجاد گزینه در فرآیند تصمیم‌گیری یا حل مسئله به‌طور گروهی، که کارایی خود را در عمل به اثبات رسانده، طوفان فکری است. عنصر کلیدی در طوفان فکری فراهم آوردن محیطی عاری از محدودیت‌ها، و سرشار از خلاقیت و اکتشاف بدون قید و بند برای ارائه گزینه‌ها و راه‌حل‌ها است. در جلسات طوفان فکری هر یک از اعضای نظرات خود را بدون ترس از انتقاد ارائه می‌کند، و بدین ترتیب موانع خلاقیت فردی در ایجاد گزینه‌ها کم رنگ می‌شود. از سوی دیگر شنیدن نظرات دیگر افراد، بدون حق انتقاد و اعتراض، خلاقیت آنها را تحریک می‌کند. (م)

بازخوردهایی دربارهٔ مفروضات و محرک‌های خود شده و سپس، بدون ارائه سناریوهای ابتدایی خودمان، بحثی دربارهٔ آینده‌های بدیل به راه انداختیم. حاصل این کارگاه مفروضات و محرک‌های بیشتری بود که در پیش‌نویس‌های بعدی خود مورد استفاده قرار دادیم و ما را به تهیه پیش‌نویس دو سناریوی جدیدی رساند که پیش از برگزاری این کارگاه پیش‌بینی نکرده بودیم.

در حرکت از مفروضات و محرک‌ها به تدوین سناریو، تصمیم گرفتیم که از روش «پردازش زوایا»^۳ استفاده نکنیم، روشی که بر اساس آن دو محرک مستقل تعیین‌کننده دو به دو پهلوی هم گذاشته می‌شوند. با اینکه ما با این رویکرد آشنایی داشته و در تحلیل‌های پیشین از آن استفاده کرده بودیم، اما مشکل کار در اینجا است که پردازش زوایا، سناریو را تنها به دو محرک محدود می‌کند. ما آینده فرقه‌گرایی را شدیداً حساس در برابر محرک‌های متعددی فرض می‌کنیم که وجود آنها جزئیات بیشتری از تأثیرات محرک‌ها بر روابط فرقه‌ای ارائه می‌دهند. ما به جای انتخاب روش پردازش زوایا، در ابتدای هر سناریو به شناسایی محرک‌های تأثیرگذار پرداخته و چگونگی ارتباط متقابل این محرک‌ها را تشریح کرده‌ایم.

مفروضاتی دربارهٔ تحول آینده فرقه‌گرایی در خاورمیانه

ما با هدف محدود ساختن سناریوهای خود در چارچوب‌های عینی، بحث خود را با تشریح مفروضاتی آغاز می‌کنیم که در تمام سناریوهای آینده گنجانیده‌ایم. این مفروضات در سه دسته جمعیت‌شناسی، هویت و شرایط سیاسی و اقتصادی خاورمیانه طبقه‌بندی شده و در جدول ۱ خلاصه‌ای از آنها ارائه شده است.

فرض ما در ارتباط با جمعیت‌شناسی این است که تفکیک جمعیت جهانی مسلمانان همچنان نشان از غلبهٔ اهل تسنن دارد که با نسبت ۵ به ۱ از شیعیان فزونی خواهند داشت. اما، شکاف بین سنی و شیعه در امتداد گسل فرقه‌ای که شبه‌جزیرهٔ عربستان، ایران و شام را احاطه کرده، به نسبت ۱ به ۱ نزدیک‌تر خواهد بود.^(۲) پیش‌بینی ما این نیست که توازن بین سنی و شیعه در امتداد این خط گسل دستخوش تغییر شده یا با گذشت ۱۰ سال از تدوین سناریوهای ما، تعادل فرقه‌ای درون برخی از کشورها در این خط گسل شاهد «نوسان» باشد. شکل زیر گسل فرقه‌ای را نشان می‌دهند که از دل خاورمیانه می‌گذرد.

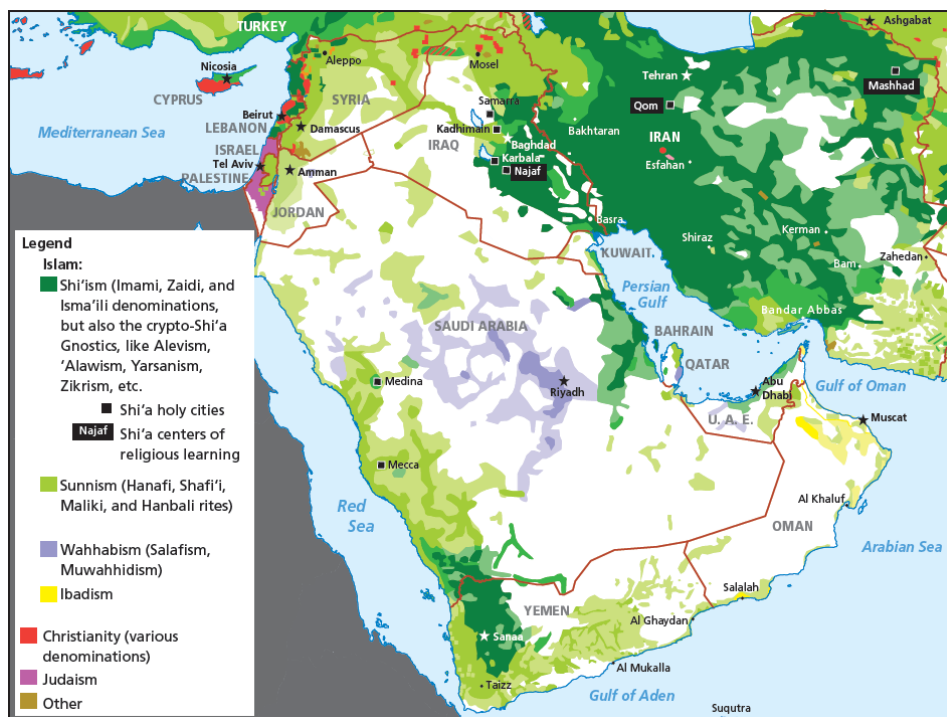
3 quadrant crunching

روش پردازش زوایا، توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در سال‌های اخیر ارائه شده است که به طراحان اجازه می‌دهد با معکوس کردن فرضیات خود در مورد شرایط جهان به سناریوهای قابل قبولی در زمان کوتاهی دست پیدا کنند. این روش به طراحان استراتژی توانایی می‌دهد سناریوهای قوی، دقیق و کاربردی ارائه کنند. (م)

جدول ۱. مفروضات اصلی

شرایط سیاسی و اقتصادی	هویت	جمعیت‌شناسی
	اهالی خاورمیانه، بین هویت‌های چندگانه‌ای که برجستگی آنها در طول زمان و با توجه به شرایط تغییر می‌کند، توازن برقرار می‌کنند.	در سطح جهان، تعداد سنی‌ها به نسبت ۵ به ۱ از شیعه‌ها بیشتر خواهد بود.
	تشکیلات فرقه‌گرایانه سعی خواهند کرد که جوامع را حول محور فرقه بسیج کرده و با دیگرانی که گرد هویت‌ها و منافع مختلف جمع می‌شوند، رقابت کنند.	موازنه سنی-شیعه در امتداد گسل فرقه‌ای که شبه‌جزیره عربستان، ایران و شام را احاطه می‌کند، نسبتی نزدیک به ۱:۱ خواهد داشت.
	عربستان سعودی و ایران دولتهای در تقویت ناسیونالیسم به عنوان هویت خواهد بود.	هیچ کشوری شاهد تغییر در اکثریت فرقه‌ای نخواهد بود.
	عربستان سعودی و ایران دولتهای اصلی حامی فرقه‌های مطبوع خود باقی خواهند ماند.	سیل پناهجویان و آوارگی داخلی، موازنه فرقه‌ای را به اندازه نرخ متفاوت زاد و ولد تحت تأثیر قرار خواهد داد.

خط گسل سنی-شیعه



SOURCE: Data drawn from Izady (۲۰۱۳).

فرض اصلی ما در ارتباط با هویت در خاورمیانه این است که برجستگی هویت‌های مختلف در طول زمان بنا بر شرایط همچنان متفاوت خواهد بود.

پاره‌های اختلافات در مورد میزان زاد و ولد بین فرقه‌ها وجود دارد. با این حال، در همه کشورهای به جز لبنان، فرقه اکثریت دارای برتری عددی است که در شرایط قابل پیش‌بینی نمی‌توان آن را برهم زد. در لبنان، ظاهراً شیعیان اکثریت کوچکی نسبت به سنی‌ها و مسیحیان مارونی را تشکیل می‌دهند اما از سال ۱۹۳۲ هیچ گونه سرشماری رسمی در این کشور انجام نشده است. در شرایط عادی، پیش‌بینی ما این است که اکثریت شیعه در یک دهه آینده تقویت می‌شود، زیرا این جامعه به لحاظ تاریخی بالاترین نرخ زاد و ولد در بین ادیان مختلف لبنانی را داشته است (شامی، ۱۹۸۱ و مرکز آمار لبنان ۲۰۱۳).^۴ هرچند، پذیرش خیل زیادی از پناهجویان سوری در لبنان هر تأثیر نرخ زاد و ولدی را تحت‌شعاع خود قرار می‌دهد؛ طی چند سال گذشته، این مهاجران توانسته‌اند یک چهارم از کل جمعیت کشور را تشکیل دهند (دفتر هماهنگی امور انسان دوستانه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۶).^۵ هیچ تفکیک قابل‌اعتماد و موثقی از تقسیم هویت‌های فرقه‌ای پناهجویان وجود ندارد، اما تصور می‌شود که سنی‌ها در اکثریت باشند که می‌توان ردپای آن را در توازن کلی جمعیتی سوریه و بدنه اصلی مخالفان دولت مشاهده کرد. این احتمال وجود دارد که این هجوم پناهجویان، سنی‌ها را در لبنان در اکثریت قرار دهد، هرچند تحلیل ما نمی‌تواند تقسیم دقیق فرقه‌ای در این کشور را مشخص کند.

تحلیل ما ریشه در این واقعیت تجربی دارد که سنی‌ها آشکارا در جهان اسلام سلطه دارند، اما در امتداد خط گسلی که از بطن خاورمیانه می‌گذارد، تنها از یک برابری نسبی برخوردارند. به بیان دیگر، ما اذعان می‌کنیم که در مسائل مرتبط با هویت، تصور اغلب مهم‌تر از واقعیت است. این بدان معنی است که اعراب سنی در عراق در اقلیت هستند، اما بسیاری از کسانی که به این گروه هویتی تعلق دارند، حقیقتاً معتقدند که اکثریت را تشکیل می‌دهند. به همین ترتیب، در حالی که شیعیان از لحاظ تعداد با سنی‌ها در امتداد این خط گسل برابری می‌کنند، اغلب به واسطه این روایت که آنها اقلیتی مظلوم و ستم‌دیده هستند، بسیج می‌شوند. در باب جمعیت‌شناسی این نکته شایان ذکر است که آوارگی داخلی - علی‌الخصوص در سوریه، عراق و یمن - احتمالاً تأثیرات مخربی بر فرقه‌گرایی دارند. از سوی دیگر، انسجام جوامع در برخی نواحی فرهنگی شاید به کاهش تنش‌های فرقه‌گرایانه منتهی شود، زیرا این جوامع به لحاظ فیزیکی از هم منفک‌تر می‌شوند. در سوی دیگر، تعامل بین فرقه‌ای کمتر شاید تبعیض و پیش‌داوری نسبت به «گروه‌های بیرونی» را تشدید کند؛ و این دوران گذار که خانواده‌ها طی آن نقل مکان می‌کنند، می‌تواند آنان را در برابر اقدامات خشونت‌طلبانه فرقه‌گرایانه آسیب‌پذیر نماید.

4 (Chamie, 1981; Lebanese Information Center, 2013).

5 (United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, 2016).

فرض اصلی ما در ارتباط با هویت در خاورمیانه این است که برجستگی هویت‌های مختلف در طول زمان بنا بر شرایط همچنان متفاوت خواهد بود. این امکان وجود ندارد که با قطعیت بگوییم که خاورمیانه در سال ۲۰۲۶ کم‌تر یا بیش‌تر فرقه‌گرایانه خواهد بود یا متناوباً، کم‌تر یا بیش‌تر ملی‌گرایانه خواهد بود. بنابراین، سناریوهای ما، هم این خط سیرها و هم روندهای دیگر را شامل می‌شوند. با اطمینان می‌توان فرض کرد که ساکنین خاورمیانه همچنان در چارچوب‌هایی متعدد، از جمله نسبت به مذهب، قومیت، دولت-ملت، طبقه اجتماعی اقتصادی و جنسیت، خود را تعریف می‌کنند. بی‌شک، «تشکیلات فرقه‌گرایانه» - یعنی تشکیلاتی که جوامع را حول محور فرقه جمع می‌کنند - به تلاش‌های خود ادامه خواهند داد، اما با دیگرانی که سعی می‌کنند حول همبستگی‌های مختلف بسیج شوند، رقابت خواهند داشت. عرصه سیاست‌های هویتی خاورمیانه، تنها حفظ منطقه از شر ابو مصعب الزرقاوی نیست. تشکیلات فرقه‌گرایانه با امثال عبدالفتاح سیسی رئیس‌جمهور مصر هم رقابت می‌کند، که حامیان و رأی‌دهندگان خود را حول بینشی ملی‌گرایانه جمع نمود.^(۳) اما هنوز هم هستند کسانی که برای ایجاد اتحادهایی تلاش می‌کنند که از فرقه‌گرایی و ناسیونالیسم فراتر رود، که باورهای انحصارگرایانه و محرک‌هایی بالقوه برای منازعه به شیوه‌های مختلف هستند.

ما همچنین فرض می‌کنیم که قدرت نسبی فرقه‌گرایی تابع شرایط زیربنایی و انتخاب‌های رهبران و مردم خواهد بود، نه چیزی که فرهنگ آن را تعیین کند. برای نمونه، حکمرانی مطلوب و سوابق طولانی ملی، مردم را به سمت و سوی اولویت بخشیدن به هویت‌های ملی سوق می‌دهند، در مقابل حکمرانی ضعیف و مرزهای تصنعی و تحمیلی، مردم را در برابر هویت‌های رقیب و متعارض، از جمله فرقه‌گرایی و قبیله‌گرایی، آسیب‌پذیرتر می‌کنند (این عوامل در بخش «محرک‌ها» مورد بررسی قرار گرفته‌اند). براساس فرضیه‌های ما، این بدان معنا نیست که خاورمیانه دیگر از فرقه‌گرایی رنج نخواهد برد؛ بلکه، سطح فرقه‌گرایی در منطقه تابع عواملی خواهد بود که برخی از آنها شاید ماهیتاً ساختاری بوده و انتخاب بازیگران درگیر برخی دیگر از این عوامل را تعیین خواهند کرد.

از لحاظ شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه، ما فرض می‌کنیم که برخی از ویژگی‌ها ادامه پیدا خواهند کرد. خاورمیانه همچنان مملو از مصائب و منازعات خشونت‌آمیزی خواهد بود، که بازیگران فرقه‌گرا تلاش خواهند کرد تا از آن کمال استفاده را ببرند. این امکان بالقوه وجود دارد که شرایط بهبود پیدا کند، اما با توجه به ابعاد منازعه در خاورمیانه امروز، مدت زمان معمول جنگ‌های داخلی و شرایطی که ظاهراً مهیای به وجود آوردن منازعات جدید است، فرض می‌کنیم که در خاورمیانه ظرف ده سال آینده احتمال بالایی برای منازعه وجود دارد، حتی اگر این سطح مطلق کمتر از حد سال ۲۰۱۶ باشد. ما همچنین فرض کردیم دولت‌هایی که در خط گسل سنی-شیعه قرار دارند، دولت‌های ضعیفی خواهند بود که نزد بخش قابل توجهی از مردم خود مشروعیت نداشته و توانایی کنترل کامل قلمرو خود را هم ندارند. این احتمال وجود دارد که

دولت‌های منطقه‌ای در بازه زمانی مدنظر ما مشروعیت و توانایی بیشتری پیدا کنند، اما مسیری منطقی برای تحول حکمرانی منطقه‌ای یا قابلیت منطقه‌ای متصور نیستیم.

در نهایت، تمام سناریوهای ما فرض می‌کنند که عربستان سعودی و ایران حامیان اصلی دولتی فرقه‌های مطبوع خود باقی خواهند ماند. رفتار این قدرت‌های منطقه‌ای - که در بخش «محرک‌ها» پیرامون آن صحبت می‌کنیم - دستخوش تغییر و تحول است؛ از نظر ما، این مسأله یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده برجستگی فرقه‌گرایی در یک دهه آینده خواهند بود.

محرک‌ها

ما برای بررسی مسیرهای احتمالی تحول منازعات فرقه‌گرایانه در منطقه، هشت محرک منازعه سنی-شیعه در خاورمیانه را تعریف کردیم. بنا بر تکنیک‌های تحلیلی ساختارمند^۶ که شرمین کنت اسکول^۷ تدوین کرده است، محرک‌ها، شیوه‌ای بر درنظر گرفتن و اولویت‌بندی در میان عوامل متعددی هستند که نتایج منطقی را تعیین می‌کنند (دولت ایالات متحده، ۲۰۰۹).^۸ محرک‌های ما عواملی هستند که از نظر ما بیشترین تأثیرگذاری بر مسیر آینده روابط فرقه‌گرایانه در منطقه را خواهند داشت. این محرک‌ها، اوضاع اجتماعی و رفتار طیفی از بازیگران مختلف را شامل می‌شوند. این هشت محرک را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: محرک‌هایی مرتبط با عموم مردم و بازیگران غیردولتی، محرک‌های مرتبط با دولت‌های منطقه‌ای و محیط منطقه‌ای و استراتژی‌های بازیگران فرامنطقه‌ای. هر محرک می‌تواند بسته به شکلی که به خود می‌گیرد، خطر منازعه فرقه‌گرایانه را افزایش یا کاهش دهد؛ رابطه بین محرک و منازعه فرقه‌ای در جدول ۲ ترسیم شده است.

ما در ارتباط با عموم مردم و بازیگران غیردولتی، سه محرک را شناسایی کردیم.

جدول ۲. محرک‌های منازعه فرقه‌ای

ریسک فزاینده منازعه فرقه‌ای	محرک	ریسک پایین منازعه فرقه‌ای
هویت‌های فرقه‌ای مسلط هستند.	خودهمانی	هویت‌های غیرفرقه‌ای (مثلاً ملی‌گرایی، محلی‌گرایی، وفاداری‌های طبقاتی) غالب هستند.
رهبران مذهبی، رابطه‌ای متخاصم بین فرقه‌ها را ترویج می‌کنند.	ماهیت گفتمان مذهبی	رهبران مذهبی از تساهل با فرقه‌ها و آیین‌های دیگر طرفداری می‌کنند.
بازیگران غیردولتی حول محور فرقه بسیج می‌شوند.	بازیگران غیردولتی	بازیگران غیردولتی به عنوان میانجی‌گر عمل می‌کنند.
دولت‌های منطقه‌ای برنامه‌ای فرقه‌گرایانه را دنبال می‌کنند.	دولت‌های منطقه‌ای	دولت‌های منطقه‌ای برای کاهش فرقه‌گرایی تلاش می‌کنند.

6 Structured Analytic Techniques

7 Sherman Kent School

8 (U.S. Government, 2009).

دولت‌ها، حکمرانی مطلوب و عاری از تبعیض میان جوامع مذهبی دارند.	کیفیت حکمرانی	دولت‌ها نمی‌توانند خدمات ابتدایی ارائه داده یا در ارائه این خدمات بر اساس وابستگی‌های فرقه‌ای تبعیض قائل می‌شوند.
رشد اقتصادی از فشار کاسته و مزایا و منافع تقسیم می‌شوند.	اوضاع اقتصادی	فشار اقتصادی به شکاف دامن زده و گروه‌های مذهبی احساس می‌کنند که از نظر اقتصادی هدف محرومیت قرار گرفته‌اند.
حل منازعه به کاهش خشونت در منطقه کمک می‌کند.	روندهای منازعه	منازعه از جایی سرایت کرده و به منازعه در جای دیگر دامن می‌زند.
بازیگران فرامنطقه‌ای ثبات را اولویت قرار می‌دهند.	بازیگران فرامنطقه‌ای	بازیگران فرامنطقه‌ای تلاش می‌کنند که با استفاده از سیاست هویت، تأثیرگذار باشند.

مورد نخست نشان می‌دهد که عموم مردم چگونه خود را، خصوصاً قدرت هویت فرقه‌ای در نسبت به هویت‌های بدیل، تعریف می‌کنند. در یک سوی زنجیره، هویت‌های ملی شیوه اصلی هستند که افراد در یک جامعه مشخص خود را تعریف می‌کنند. در چنین وضعیتی، شیعیان عراقی ارتباط محکم‌تری با هم‌وطنان عراقی خود -صرف‌نظر از فرقه، قبیله یا طبقه- احساس خواهند کرد تا اینکه بخواهد این ارتباط را با شیعیان ایرانی یا لبنانی داشته باشند. در سوی دیگر زنجیره، هویت‌های فرقه‌ای شکل غالب خودهمانی⁹ هستند. در همان نمونه پیشین، شیعیان عراقی با هم‌کیشان خود از کشورهای دیگری احساس انسجام و همبستگی بیشتری خواهند داشت تا با سنی‌های عراقی. این احتمال وجود دارد که عراقی‌ها خود را در چارچوب دیگری، مثلاً، بر اساس ارتباط با افراد محلی، گروه‌های قبیله‌ای یا طبقه اجتماعی-اقتصادی تعریف کنند.

محرك اصلی دوم در این طبقه‌بندی، ماهیت گفتمان مذهبی در یک جامعه است. در یک سوی طیف، علما (رهبران مذهبی) از تساهل و تسامح طرفداری کرده و مفاهیم تکثر مذهبی در جامعه ارج نهاده می‌شوند. همچنین ممکن است که رهبران مذهبی با جدیت بین فرقه‌ها یا آیین‌های مختلف میانجی‌گری کنند. در سوی دیگر طیف، رهبران مذهبی بر مسائلی تمرکز می‌کنند که مؤمنان را از کافران تمایز داده و به فرهنگ عدم مدارا دامن می‌زنند. در این شرایط، رهبران مذهبی پیروان خود را در پس هویت‌های فرقه‌ای بسیج می‌کنند.

محرك سوم، بازیگران غیردولتی (مثلاً گروه‌های جامعه مدنی، شبه‌نظامیان) هستند که مانند علما، می‌توانند بسته به رفتارشان، یک منازعه فرقه‌ای را شعله‌ور یا آن را خاموش کنند. در شرایط درست، گروه‌های جامعه مدنی می‌توانند نقش واسط میان فرقه‌ها را ایفا کنند. برای نمونه، گروه‌های جامعه مدنی شاید علیه شکاف‌هایی که بذر آن را اقدامات فرقه‌گرایانه مانند بمب‌گذاری در یکی از مساجد شیعیان در کشورهای با اکثریت سنی پاشیده است، تظاهرات برگزار کنند. در مقابل، بازیگران غیردولتی می‌توانند نقش

خرابکار را نیز ایفا کرده و تمهیدات حکومت‌ها و اجتماع برای کاهش فرقه‌گرایی را عقیم بگذارند. برای نمونه، شبه‌نظامیان شیعه -مانند نیروهای حشد الشعبی (بسیج مردمی)- ممکن است دست به کشتارهای انتقام‌جویانه علیه جوامع سنی زده و به چرخه خشونت فرقه‌گرایانه دامن بزنند.

مجموعه دیگری از محرک‌ها به رفتار دولت‌های منطقه‌ای و محیط منطقه‌ای مربوط می‌شود که این دولت‌ها در آن فعالیت دارند. ما به تعریف و شناسایی چهار محرک در این دسته‌بندی پرداختیم که از نظرمان بیشترین اهمیت و برجستگی را دارند. اولین و مهمترین آنها، جهت‌گیری سیاست خارجی قدرت‌های منطقه‌ای است. عربستان سعودی و ایران، دو کشوری که بیشترین پیروی را در امتداد گسل سنی-شیعه دارند، هنگامی که به دنبال نفوذ یا بسیج هم‌کیشان در دولت‌های همسایه برآیند، می‌توانند محرک‌های منازعه فرقه‌ای شوند. در مقابل، این قدرت‌های منطقه‌ای وقتی به اصل عدم مداخله در امور همسایگان احترام گذاشته یا وقتی درصدد همکاری برآیند، می‌توانند نیروهایی برای ثبات باشند. کیفیت حکومت، دومین محرک در این طبقه‌بندی است. در یک سوی طیف، دولت‌هایی هستند که به شکلی کارآمد و بدون تبعیض بر اساس فرقه یا دیگر نشان‌های هویتی، به شهروندان خود خدمات ارائه می‌دهند. در سوی دیگر، دولت‌های هستند که قادر به تأمین امنیت، عدالت یا خدمات ابتدایی برای همه یا بخش‌های از شهروندان خود نبوده یا اساساً تمایلی به انجام این کار ندارند. حکمرانی ضعیف می‌تواند اجتماعات را برانگیزد تا برای جبران این وضعیت به وفاداری‌های دیگری -از جمله فرقه و قبیله- پناه ببرند، در حالی که حکمرانی مطلوب حاکمان را به حکومت از طریق قرارداد اجتماعی ملزم می‌سازد.

محرک سوم در این مجموعه، رابطه بین رفاه اقتصادی و وابستگی قبیله‌ای است. وقتی یک اقلیت فرقه‌ای، مانند شیعیان در عربستان سعودی، به لحاظ اقتصادی هدف محرومیت، نابرابری و رقابت بر سر منابع طبیعی قرار می‌گیرند، شکاف‌های فرقه‌ای تشدید می‌شوند. نرخ بالای بیکاری جوانان هم می‌تواند باعث شود که این گروه در برابر جذب نیروی فرقه‌ای آسیب‌پذیرتر شوند. در سوی دیگر طیف، رشد اقتصادی و بهبود اوضاع اقتصادی از فشارهای اجتماعی می‌کاهد که شاید در غیر این صورت موجب ترویج خشونت فرقه‌ای باشد.

روندهای منازعه، محرک چهارم در این طبقه‌بندی، ابعاد، شدت و مشخصه‌های منازعه منطقه‌ای هستند. در یک سو، منازعات منطقه‌ای و خشونت، هویت‌های فرقه‌ای را تشدید کرده و باعث خشونت بیشتر می‌شود. به این تعبیر، روندهای منازعه در نقش پدیده‌ای خود تقویت‌کننده عمل می‌کنند. در سوی دیگر، حل و فصل منازعه در یک کشور شاید رویه و آهنگ مثبت و سازنده‌ای برای حل منازعه در جاهای دیگر به وجود آورد.

آخرین محرک به بازیگران فرامنطقه‌ای، مخصوصاً اما نه منحصرأ، ایالات متحده و روسیه مربوط می‌شود که در امور منطقه‌ای نفوذ و مداخله دارند. در یک سوی طیف، بازیگران فرامنطقه‌ای بی‌طرف بوده یا فعالانه

مشغول کاهش منازعه فرقه‌ای هستند. در سوی دیگر طیف، درگیر این مسأله بوده و عامدانه منازعه فرقه‌ای را دنبال کرده یا سهواً به آن بال و پر می‌دهند. درخواست ایالات متحده از حکومت عراق تحت رهبری شیعیان برای دنبال کردن سازش و آشتی با جامعه سنی، نمونه‌ای از این محرک است که در راستای کاهش خطر منازعه فرقه‌ای عمل می‌کند. اگر روسیه به این نتیجه برسد که تنها راه حمایت از منافع خود در سوریه، فعالیت از طریق جامعه علوی به عنوان مجرای نفوذ خود است، نمونه‌ای از این محرک خواهد بود که در جهت مخالف عمل می‌کند.

محرک‌ها می‌توانند به شیوه‌های مختلفی عمل کنند. گاهی اوقات، محرک‌ها می‌توانند مستقل از یکدیگر عمل کرده یا یک محرک شاید آنقدر قدرتمند باشد که تأثیرات محرک‌های دیگر را درهم کوبد. برای مثال، سرایت خشونت شاید آنقدر قدرتمند باشد که حتی وقتی با محرک‌های کاهش‌دهنده منازعه فرقه‌ای همراه شود، کشور همچنان مغلوب سرایت خشونت از دولت همسایه خود باشد. اوقات دیگر، محرک‌ها شاید به شیوه‌ای بر یکدیگر تأثیر متقابل بگذارند که همدیگر را تقویت کنند. برای نمونه، حکمرانی بهتر و عملکرد اقتصادی قدرتمند می‌توانند باعث ترویج حس بیشتر میهن‌پرستی در بین مردم یک دولت شده و هویت ملی را در برابر هویت فرقه‌ای تقویت کند. در نهایت، محرک‌ها می‌توانند یکدیگر را خنثی کرده یا وقتی یک یا چند محرک در جهت منازعه فرقه‌ای کمتر و در عین حال، محرک‌های دیگر در جهت منازعه فرقه‌ای بیشتر قرار می‌گیرند، ایجاد آشفته‌گی و نابسامانی می‌کنند. برای مثال، دو قدرت مهم فرامنطقه‌ای، یعنی ایالات متحده و روسیه، می‌توانند ثبات منطقه‌ای را زمانی در اولویت قرار دهند که دو قدرت مهم منطقه‌ای، ایران و عربستان سعودی، برای به حداکثر رساندن نفوذ خود از رهگذر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده، تلاش کنند.

سناریوها

در ادامه چهار آینده بدیل برای روابط فرقه‌ای در خاورمیانه طی ده سال آینده ارائه می‌شود. تمام سناریوها بازتاب مفروضات و محرک‌های مورد بحث در بخش پیشین هستند. این سناریوها به نحوی طراحی شده‌اند تا به لحاظ تحلیل متمایز باشند، به این ترتیب خواننده قادر خواهد بود که بین خط سیرهای اساسی ارائه شده تمایز قائل شود. بحث ساختارمند ما با کارشناسان خبره در این حوزه - از جمله مشارکت تحلیلگران جامعه اطلاعاتی - نقش مهمی در ترسیم این سناریوها ایفا کرده است. برخی از این سناریوها، نتایج حاصل از کارگاه دسامبر سال ۲۰۱۶ بودند. در نهایت، چهار سناریوی ارائه شده روشنگر خط سیرهای مختلف هستند، اما جامع و شامل نیست، چرا که سناریوهای دیگری ورای این چهار سناریو هم محتمل هستند. ما این سناریوها را به این دلیل انتخاب کرده‌ایم که نشان‌دهنده ترکیبی متنوع از محرک‌ها بوده و برخی از سناریوهای اصلی را ترسیم می‌کنند.

سناریوی ۱: ظهور محلی گرایی

مهمترین محرک‌ها: خودهمانی، بازیگران غیردولتی، کیفیت حکمرانی

در این سناریو، عصر اسلام‌گرایی به عنوان یکی از هویت‌های مسلط در خاورمیانه رو به افول است. حکومت‌های اسلامی در سراسر منطقه عملکرد ضعیفی داشته‌اند و تمایلات استبدادی فزاینده‌ای از خود نشان داده‌اند. متعاقب آن پدیده‌ای ظهور می‌کند که ما محلی‌گرایی می‌نامیم و طی آن جوامع خواهان مشارکت بیشتر می‌شوند. قانون اساسی جدید ترکیه قدرت رجب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه را علی‌رغم محبوبیت رو به کاهش وی و مخالفت فزاینده، بیش از پیش افزایش داده است. حماس، بعد از اینکه ماه‌ها نتوانست روزانه بیش از چند ساعت برق و آب فراهم نماید، کنترل نوار غزه را به گروهی تکنوکرات واگذار کرد که با وعده ارائه بهتر خدمات وارد عرصه شده بودند. سرخوردگی عمومی از تحولاتی که با بهار عربی آغاز شده بود، به بالاترین حد خود رسیده است. احزاب اسلامی در سراسر منطقه، اعضا و حمایت‌های خود را از دست داده‌اند. این گروه‌ها ظاهراً نتوانسته‌اند که چارچوبی برای حکمرانی دولتی کارآمد تدوین کنند و هر روز که می‌گذرد، مردم بیشتری آنها را به خاطر قدرت گرفتن افراط‌گرایان اسلامی سرزنش می‌کنند.

«محلی‌گرایی» برای پُر کردن این خلاء به عنوان محرک مسلط خودهمانی ظاهر می‌شود و اساساً واکنشی است به اوج گرفتن راست‌کیشی مذهبی و از بین بردن تنوع و گونه‌گونی محلی که در یک دهه گذشته در خاورمیانه شاهد بودیم. قدرت تهران برای ایجاد یک اردوگاه منسجم شیعی رو به افول است و اقلیت‌های شیعی در دولت‌های دیگر خود را متمایز و مستقل از رهبری ایران تلقی می‌کنند. در نواحی دارای اکثریت سنی، تصوف آرام آرام در حال بازگشت به عرصه است و نشانگر پذیرش تنوع محلی آداب و رسوم است. تمرکز دوباره بر مسائل محلی از اهمیت فرقه‌گرایی در برنامه‌های سیاسی محرک و بسیج مردمی می‌کاهد.

رژیم‌های بغداد و دمشق خواهان کنترل متمرکز بوده و در نتیجه با مردمی که خواهان استقلال محلی بیشتر هستند، درگیرند. در مقابل، تهران و بیروت استقلال بیشتری به شورای محلی و مقامات استانی محول کرده‌اند و توازن بهتری بین این فشارهای داخلی ایجاد کرده‌اند. همچنین با توجه به ابتکارات صلح از پایین به بالایی که بین جوامع همسایه اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها که به دنبال توافقی عملی در مورد آب و سایر مسائل محیط‌زیستی هستند، امید تازه‌ای در چشم‌اندازها برای یک گفتگوی سازنده بین اسرائیل و فلسطینی‌ها دمیده شده است.

در چند مورد درخور توجه، شرکت‌کنندگان در انتخابات‌های محلی، انتخابات‌های ملی را تحت الشعاع خود قرار داده‌اند؛ و در رتبه‌بندی‌های مطلوبیت، شوراهای محلی از محبوبیتی بیش از رهبران ملی برخوردار شده‌اند. بیروت مدینتی («بیروت، شهر من») ^{۱۰} جنبش‌های جایگزینی را در سایر مناطق شهری در سراسر

10 Beirut Madinati

جنبش «بیروت شهر من»، از جنبش‌های مشهور و قدرتمندی است که پس از بهار عرب شکل گرفت و در انتخابات اخیر شورای شهر بیروت، بیش از ۴۰ درصد آرا را از آن خود کرد. (م)

جهان عرب به وجود آورده و نفوذ نخبگان محافظه کار را به چالش کشیده است. این جنبش‌ها، همانند پیش‌قراول خود، بر ارائه عملی خدمات عمومی تمرکز کرده و اهمیت و برجستگی ایدئولوژی را بیش از پیش از بین برده‌اند.

محل‌گرایی همیشه به شیوه‌ای مثبت و سازنده نمود پیدا نمی‌کند. گاهی اوقات، «مکاتب» پیشین (مثل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی) با هویت‌های انحصاری یکسان جایگزین می‌شوند و برای نمونه به تأکید دوباره بر قبیل‌ها به منزله ساخت سازمان دهنده اجتماع منتهی می‌شود. با این حال، محل‌گرایی آشکارا از شدت تأثیر فرقه‌گرایی کاسته، ظرفیت بالقوه تشکیلات فرقه‌ای برای بسیج در امتداد خطوطی به گستردگی وابستگی مذهبی را از بین می‌برد.

سناریوی ۲: یک جناح مستحکم شیعی در وسط نابسامانی اهل سنت

مهمترین محرک‌ها: خودهمانی؛ بازیگران منطقه‌ای؛ بازیگران فرامنطقه‌ای

در این سناریو، جناح‌های سنی و شیعی در جهت‌های متفاوتی در حرکت هستند. از یک سو، جناح کوچک‌تر و متحدتر شیعه برای تداوم آنچه رهبران آن به منزله برقراری دوباره توازن تاریخی و معوق قدرت فرقه‌ای در خاورمیانه ترسیم می‌کنند، بر پیروان خود تکیه کرده‌اند. در سوی دیگر، منافع متعارض و واگرا در داخل جناح اهل سنت، کارآمدی این جناح را محدود ساخته و به بازیگران شیعی امکان داده است تا تدریجاً از نفوذ آن بکاهند.

با وجود تأخیرهای طولانی در تحقق منافع و مزایای اقتصادی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، حسن روحانی که مجدداً به ریاست جمهوری ایران انتخاب شده است، عمل به وعده‌های اقتصادی خود را آغاز کرده و چند سرمایه‌گذاری مشترک بزرگ با شرکت‌های اروپایی به دست آورده است. افزایش تولید نفت و بخش رو به گسترش فن‌آوری تدریجاً خزانه‌های حکومت را پر کرده و به تهران توان مالی بیشتری برای حمایت از متحدان و شرکای آن در منطقه داده است. حزب‌الله که به خاطر عملکردش در کارزارهای خارجی خود تقویت شده است، در داخل محبوبیت فراوانی داشته و جایگاه قدرتمند خود را در پارلمان لبنان حفظ کرده است. حیدر العبادی به خاطر موفقیت‌های خود در بازپس‌گیری شمال عراق از دولت اسلامی عراق و شام (داعش) از حمایت قاطع اکثریت برخوردار است. موفقیت‌های او در مبارزه با فساد سیاسی، حفظ توافق تقسیم قدرت با کردها و بازسازی نواحی جنگ‌زده، اقتدار مرکزی بغداد را با وجود حکومت تحت سلطه احزاب شیعی، تقویت کرده است.

اتحاد نسبی و ثروت زیاد بازیگران شیعی در مقابل نابسامانی جناح سنی قرار می‌گیرد. عربستان سعودی بعد از بروز ناآرامی‌ها در داخل کشور که مجبور به اعزام دوباره نیروهای خود برای سرکوب تهدید در داخل خواهد شد، به عملیات‌های نظامی خود در یمن پایان می‌دهد. قرارگیری یمن در مدار نفوذ ایران،

انسجام شورای همکاری خلیج فارس را تضعیف کرده و اظهارنظرهای نامحسوسی از جانب امارت متحده عربی به گوش می‌رسد که این اتفاق تقصیر ریاض است.

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، کنترل تمام شهرهای عمده سوریه را دوباره در اختیار گرفته است، هرچند گروه‌های مقاومت کوچکی وجود دارند. در عین حال که سوریه روابط مطلوب خود با روسیه و ایران، دولت‌هایی که به باور اسد در شکست داعش و شورشیان مؤثر و راهگشا بودند، را حفظ می‌کند، اما پیروزی مشترک در سوریه چندان باعث تعمیق روابط با روسیه و ایران نشده است. حذف سوریه به عنوان محل بی‌وقفه منازعه در روابط عربستان سعودی با روسیه، امکان روابط نزدیک‌تر بین مسکو و ریاض را فراهم آورده است. روابط ایالات متحده با عربستان سعودی کماکان متزلزل بوده و ریاض به خاطر تلاش‌های واشنگتن برای کسب درآمد از اتحاد خود با این کشور و نیز گرفتن پول به خاطر استقرار نیروهایش، به ستوه آمده است. در این حین، رابطه ایالات متحده با امارات متحده عربی و قطر افزایش پیدا کرده و با تعمیق روابط نظامی تقویت شده است.

تأثیر نهایی این است که بازیگران شیعه به دنبال فرصت‌هایی برای گسترش نفوذ خود می‌گردند و در عین حال، بازیگران سنی در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. این پویایی خود تقویت‌کننده بوده و مردم شیعی متوجه شده‌اند که منافع آنها از رهگذر اتحاد ممکن و شدنی است و تعهد خود را نسبت به این اصل افزایش داده‌اند. یا اینکه، عقب‌نشینی جناح سنی به اتهامات متقابل و اختلافات رهبری بیشتر منتهی شده و بیش از پیش به شکاف‌ها دامن می‌زند.

سناریوی ۳: سیاست لبه پرتگاه^{۱۱} موجب تنش‌زدایی می‌شود

مهمترین محرک‌ها: ماهیت گفتمان مذهبی؛ دولت‌های منطقه‌ای؛ بازیگران فرامنطقه‌ای

مشخصه این سناریو، تشدید منازعه مذهبی است که تا سر حد منازعه‌ای منطقه‌ای پیش می‌رود که عربستان سعودی و ایران را در تقابل نظامی مستقیم، پیش از اینکه نهایتاً از آن دور شود، قرار می‌دهد. ترس از پیامدهای متعاقب، باعث تلاش برای مهار نقاط اشتعال پیش از رسیدن به این سطح می‌شود.

سرمایه‌گذاری عربستان سعودی و ایران در جنگ نیابتی در چارچوب فرقه‌گرایی به نقطه اوج تازه‌ای رسیده است. این رقابت خصوصاً در سوریه و یمن مشهود است، چرا که هر دو طرف همچنان از طریق نیروهای تحت‌امر مختلف خود بر آتش منازعه دامن می‌زنند. ایالات متحده عمدتاً از تلاش‌های خود برای پیشگامی جهت حل و فصل منازعه دست کشیده و در عوض تصمیم گرفته است به جنگجویان فرصت دهد

11 Brinkmanship

استراتژی سوق دادن بحران به لبه پرتگاه جنگ است تا از این رهگذر حریف را به عقب‌نشینی از مواضع آن وادارد. توفیق در این استراتژی منوط بر آن است که کشوری که به آن تمسک می‌جوید، بی‌آنکه درگیر جنگ شود، به اهدافش دست یابد. (م)

تا یکدیگر را از پا در بیاورند. روسیه پس از تضمین دسترسی دریایی خود به مدیترانه از طریق طرطوس، بر روی محور اروپا متمرکز شده و منازعات منطقه را به طرف‌های درگیر سپرده است. تهران و ریاض با تأمین مالی اقلیت‌های فرقه‌ای در کشورهای یکدیگر، ایران با بازسازی حزب‌الله عربستان در استان شرقی و عربستان سعودی با تأمین مالی شورشیان بلوچ سنی در منطقه جنوب شرقی ایران، خطرات را بیش از پیش افزایش داده‌اند. این گروه‌ها خود را به نواحی مرزی محدود نکرده‌اند؛ در عوض، هر دو گروه با موفقیت توانسته‌اند مجموعه‌ای از حملات تروریستی در پایتخت‌های یکدیگر ترتیب دهند. عربستان سعودی و ایران با نیروهای نظامی تهاجمی در هوا و دریای خلیج فارس پاسخ یکدیگر را می‌دهند. در بحبوحه این تنش، یک جنگنده سعودی به اشتباه یک کشتی تجاری ایرانی بزرگ را غرق می‌کند و ایران با سرنگونی جنگنده پاسخ می‌دهد. این تقابل نیروهای نظامی، عوض اینکه به تشدید درگیری منتهی شود، هر دو طرف را با شوک، وارد یک دوره توقف عملیاتی می‌کند. این توقف، به یک تنش‌زدایی شکننده تعمیم پیدا می‌کند، زیرا تهران و ریاض به جای افزایش تنش‌ها به دنبال کاهش خطر منازعه گسترده مستقیم هستند.

در حالی که طرفین به دنبال راه‌هایی برای کاهش تنش می‌گردند، ریاض و تهران از ترس اینکه باعث اتفاقاتی شوند که خود این دو قدرت منطقه‌ای قادر به کنترل آن نباشند، کسانی که به دنبال برنامه‌های فرقه‌گرایانه هستند را مهار می‌کنند. دربار عربستان سعودی بی‌سر و صدا مشغول بازنشسته کردن علمایی می‌شود که خیابان‌ها را ملتهب کرده‌اند، در عین حال نیروهای بسیج ایران برای سرکوب تظاهرات‌ها علیه عربستان سعودی به کار گرفته می‌شوند. عموم مردم هنوز کاملاً در جریان این تنش‌زدایی قرار نگرفته‌اند، اما هر دو دولت برای اجرای آن تمهیداتی اتخاذ می‌کنند.

این سناریو از این احتمال حکایت دارد که افزایش منازعه فرقه‌ای با هدایت دولتی، در عمل می‌تواند این بازیگران منطقه‌ای را پس از مواجهه با چشم‌اندازهای بی‌ثباتی بیشتر، مجبور به عقب‌نشینی از لبه پرتگاه کند. این یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در راه طراحی مداخلات سیاستی است، زیرا یکی از تفسیرها این است که اوضاع قبل از بهبود، رو به وخاومت خواهند گذاشت.

سناریوی ۴: منازعه قومی و آوارگی موجب خود-جداسازی^{۱۲} می‌شود مهمترین محرک‌ها: خودهمانی؛ بازیگران غیردولتی؛ روندهای منازعه

در این سناریو، خشونت فعال تحت لوای فرقه‌گرایی تنها به این دلیل فروکش کرده است که منازعه قومی و آوارگی موجب جدایی غیررسمی جوامع شده‌اند. همانند سناریوی ۳، تأثیر کلی بر فرقه‌گرایی کاهش تنش‌ها است، اما این جریان، جوامع را در معرض خطر فیزیکی قرار داده و مبتنی بر اجبار است و نه پذیرش.

با اینکه کارزار بین‌المللی تدریجاً داعش را به فعالیت پنهانی سوق داده است، این گروه در جریان شکست خود کارزاری خونین و ویرانگر به راه انداخت و وقایع بعد از آن کارآمدی پاکسازی هدفمند این گروه علیه اقلیت‌های شیعی را آشکار ساخت. این شکاف‌ها در عراق بیش از هر جای دیگری به چشم می‌خورند، جایی که کشتارهای قومی و آوارگی داخلی در عمل جوامع چندفرقه‌ای که پیشتر وجود داشتند را کاملاً از بین برده است. برای مثال، موصل تقریباً به شهری تماماً سنی‌نشین بدل شده است. گروه‌های شبه‌نظامی شیعه نیز از سنی‌ها انتقام گرفتند و به‌گونه‌ای آنها را از مرکز عراق راندند که سازمان ملل متحد آن را یک پاکسازی قومی توصیف کرد. وعده حکومت ائتلافی در عمل نافرجام ماند و کردها به منطقه خودمختار کردستان که اکنون کرکوک را نیز شامل می‌شود، عقب می‌نشینند و رهبران سنی به حال خود رها می‌شوند تا به طور غیررسمی بر غرب عراق حکمرانی کنند.

با اینکه ائتلاف تحت رهبری عربستان در نهایت توانست صنعا را از کنترل حوثی‌ها خارج کند، حکومت مرکزی تازه تأسیس و ضعیف یمن نتوانسته است کنترل حوثی‌ها بر شمال این کشور را به چالش بکشد و نیروهای حوثی همچنان کنترل شهر ساحلی الحدیده را در اختیار خود دارند. اکنون که دو طرف پی به مزایای حفظ اتمام جنگ برده‌اند، علی‌رغم وجود یک قطعنامه رسمی صلح، بعید است که در آینده‌ای نزدیک در وضعیت غیررسمی یمن تغییری ایجاد شود.

در سوریه، روند دستیابی به صلح منجر شده است که «مناطق تحت کنترل»^{۱۳} یا مناطق امن به رسمیت شناخته شده، در میان حزب اتحاد دموکراتیک، رژیم اسد و مخالفان تقسیم شود (دابینز، گوردون، مارتینی، ۲۰۱۷).^{۱۴} بعد از اعلام این مناطق، موجی از آوارگی داخلی باعث تحکیم بیش از پیش موقعیت کردها در نواحی تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک می‌شود؛ اقلیت‌ها از جمله علوی‌ها، مسیحیان و دروزی‌ها در مناطق تحت کنترل رژیم اسد؛ و اعراب سنی در مناطق تحت کنترل مخالفان مستقر می‌شوند. شهرها و نواحی مرزی دارای ترکیبی از فرقه‌ها که در جوار یکدیگرند، بدل به محل کشتارهای قومی-فرقه‌ای می‌شوند. حتی در کشورهای بسیار کوچکی که کوچک‌تر از آن هستند که بخش‌بندی و تفکیک شوند نیز

12 self-segregation

13 zones of control

14 (Dobbins, Gordon, and Martini, 2017).

سنی‌ها و شیعیان به واسطهٔ محلات خود را جدا کرده‌اند، علی‌الخصوص منامه و شهر کویت به محله‌های کاملاً سنی‌نشین و کاملاً شیعه‌نشین تقسیم شده‌اند.

این مسأله تأثیری متقاطع بر روابط فرقه‌ای دارد. از یک سو، تعامل کمتر میان فرقه‌ها موجب کاهش منازعات روزمره می‌شود. در سوی دیگر، تفکیک جوامع باعث تشدید تبعیض شده و از منازعه‌ای در حال شکل‌گیری حکایت دارد که آرام آرام نمود و بروز پیدا می‌کند.

نتیجه گیری

بررسی پیشین مفروضات، محرک‌ها و سناریوها می‌تواند به آگاهانه ساختن ارزیابی‌های تحلیلگران -از جمله تحلیلگران جامعه اطلاعاتی ایالات متحده- از روابط فرقه‌ای در خاورمیانه کمک کند. سرخط نتیجه‌گیری‌های این پژوهش به شرح زیر هستند:

- در یک افق ده ساله، سناریوهای متعدد و احتمالی برای آینده خط سیر فرقه‌گرایی در این منطقه وجود دارد. قرار نیست که فرقه‌گرایی در یک دهه آینده شاهد کاهش یا افزایشی باشد. دلیل آن هم این است که شدت و حدت فرقه‌گرایی منوط به محرک‌هایی است که می‌توانند در هر جهتی عمل کنند.
- برخی از این محرک‌ها می‌توانند تحت تأثیر تصمیمات سیاستی ایالات متحده (و شرکای بین‌المللی) قرار بگیرند. برای نمونه، کیفیت حکمرانی، اوضاع اقتصادی و پرداختن به منازعات جاری جهت پیشگیری از سرایت آنها به جاهای دیگر همگی مستعد مداخلات سیاستی هستند.
- از سوی دیگر، تأثیرگذاری بر عواملی مانند ماهیت گفتمان مذهبی در خاورمیانه و نحوه تعریف جوامع از هویت خود، کاری بسیار دشوار برای بازیگران دولتی -علی‌الخصوص دولت ایالات متحده- است.
- علی‌رغم ماهیت پویای منطقه، چند عامل پایدار وجود دارد که ایالات متحده در تدوین استراتژی خود برای فرونشاندن منازعات ناشی از فرقه‌گرایی در منطقه می‌تواند روی آنها حساب کند. پیش‌بینی ما این است که نقش دولت‌های متنفذ منطقه‌ای، عربستان سعودی و ایران، در تأثیرگذاری بر روابط فرقه‌ها در افق زمانی ده سال، پابرجا خواهد ماند.
- فرقه‌گرایی تنها یکی از عوامل محرک منازعه در سراسر منطقه است. ما فرقه‌گرایی را به عنوان موضوع پژوهش خود تفکیک کردیم اما این مسأله نباید دال بر این گرفته شود که تنها -یا حتی مهم‌ترین- عامل در ایجاد منازعات منطقه‌ای است.

در نهایت، بحث خود را با شناسایی موضوعاتی برای پژوهش‌های آینده به پایان می‌رسانیم، موضوعاتی که این پروژه به عنوان معبری برای پیشبرد و افزایش درک ما از فرقه‌گرایی در خاورمیانه تعریف کرده است. طراحی یک متغیر ترکیبی که قادر به سنجش شدت فرقه‌گرایی در یک مکان در طول زمان باشد، اولین گام خواهد بود. در حال حاضر، پژوهشگران رویکرد «هرگاه که آن پدیده‌ها را می‌بینیم، به خوبی آنها را می‌شناسم»^{۱۵} را پیش فرض ذهنی خود در قبال فرقه‌گرایی قرار داده‌اند، اما هیچ معیار استاندارد وجود ندارد که بتواند بر اهمیت فرقه‌گرایی در یک جامعه مشخص صحنه گذاشته و جزئیات بیشتری درباره آن ارائه دهد یا بتواند نشان دهد که فرقه‌گرایی در طول زمان کم‌تر یا بیشتر می‌شود؛ اما طراحی و ردگیری این متغیر

15 I know it when I see it

«هرگاه که آن پدیده‌ها را می‌بینیم، به خوبی آن را می‌شناسم»، اصطلاحی است که فرد به واسطه آن تلاش می‌کند تا یک واقعیت یا رویداد قابل مشاهده را دسته‌بندی کند، اگرچه دسته‌بندی‌ها ذهنی باشد یا به خوبی تعریف نشده باشد. (م)

شدنی و انجام‌پذیر است. متغیری مرکب که ترکیبی از (الف) مطالعات پیمایشی درباره احساسات عمومی (ب) ردیابی گفتمان فرقه‌گرایانه و (پ) ردیابی اقدامات فرقه‌گرایانه، است، مبنای ضروری برای تعیین این مسأله فراهم می‌کند که در طراحی مداخلات سیاستی برای یک زمان و مکان خاص باید چه وزن و اهمیتی برای فرقه‌گرایی قائل شویم.

نگارندگان از بررسی دوباره فرایند سناریوسازی با استفاده از یک تکنیک تحلیل متفاوت- پس‌نگری^{۱۶}- برای تحلیل آینده بدیلی که اینجا ارائه شده‌اند، استقبال می‌کنند. ما به این خاطر از این مفروضات و محرک‌ها استفاده کردیم که از نظرمان شیوه‌ای بی‌طرفانه برای پیش‌بینی آینده بوده است. پس‌نگری که با تصور حالت‌های پایانی در ذهن آغاز می‌شود، مزایای دیگری هم دارد.^(۴) یعنی، به روشن شدن مداخلات سیاستی کمک می‌کند که برای رسیدن به نتیجه مطلوب یا اجتناب از نتیجه بدترین حالت ممکن باید اتخاذ شوند؛ و پس‌نگری کار ربط دادن این نتایج با شواهد هشدارها را راحت‌تر می‌کند، زیرا شواهد و هشدارها طبعاً از دل این روایت مکتوب به دست می‌آیند که چگونه یک فرد به حالت پایانی می‌رسد.

موضوع پژوهشی دیگری که مطالعه ما به آن اشاره کرده اما مستقیماً به آن نمی‌پردازد، مسأله ارتباط بین فرقه‌گرایی و دیگر محرک‌های منازعه است. در چارچوب علوم اجتماعی، ما باید از فرقه‌گرایی به عنوان متغیری وابسته استفاده کرده و بررسی کنیم که چه متغیرهای مستقلی (یعنی، محرک‌ها) به این پدیده دامن زده یا از شدت آن می‌کاهند. هرچند، می‌توان کار را با منازعه به عنوان متغیر وابسته آغاز و بررسی کرد که فرقه‌گرایی و متغیرهای وابسته دیگر برای تأثیرگذاری بر این پدیده چگونه با هم ارتباط متقابل دارند.

16 Backcasting

هدف از پس‌نگری آماده ساختن سیاستگذاران و عموم علاقه‌مندان به تصاویر آینده به عنوان یک زمینه برای تصمیمات و شکل دادن به آرا است، به این امید که دانش جدید و ایده‌های جدید ممکن است منجر به شناسایی برخی از آراء کاملاً جدید شود. برخلاف پیش‌بینی، که روندها را تجزیه و تحلیل می‌کند و به آینده پیش‌رو می‌نگرد، پس‌نگری چشم‌اندازهای آینده هنجاری را به منظور تهیه استراژی به کار می‌برد. (م)

یادداشت‌ها

۱. فرقه‌گرایی مفهومی بسیار گسترده‌تر از نمود سنی-شیعه آن است. هویت‌های مذهبی دیگر (مثلاً مسیحی، یهودی) نیز ممکن است نمودهایی از فرقه‌گرایی را نشان دهند و برخی از دانشگاهیان از این اصطلاح برای توصیف سیاسی‌شدن^{۱۷} هر نوع هویت گروهی اجتماعی استفاده می‌کنند - یعنی فرقه‌گرایی می‌تواند در خصوص هویت‌های غیرمذهبی مانند قومیت هم اطلاق شود. این نقطه‌نظر تنها بر سیاسی‌شدن هویت‌های سنی و شیعه تمرکز دارد.

۲. ما با استفاده از پایگاه داده‌های جهانی مذهب^{۱۸}، نسبت سنی‌ها به شیعیان در کشورهای که روی خط گسل فرقه‌گرایانه قرار گرفته را محاسبه کردیم، گسلی که شبه جزیره عربستان، ایران و شام را در برمی‌گیرد. در مجموع جمعیت این کشورها (یعنی بحرین، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات متحده، یمن) شیعیان ۵۴ درصد از جمعیت آنها را تشکیل می‌دهند؛ سنی‌ها ۴۶ درصد باقیمانده را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به دشواری کسب اطلاعات سرشماری معتبر در این کشورها، این نسبت را با استفاده از میانگین آمار موجود در آمارنامه جهانی سازمان اطلاعات مرکزی (بی‌تاریخ)، خدمات پژوهشی کنگره (آرمنیو، ۲۰۰۴)^{۱۹} و موسسه پیو (۲۰۰۹، ۲۰۱۱) هم محاسبه کرده و به همین نتایج دست یافتیم.

۳. در این مورد و در سراسر پژوهش، برای توصیف وفاداری به یک کشور خاص از ملی‌گرایی استفاده کرده‌ایم و مقصودمان ناسیونالیسم قومی نبوده است.

۴. پس‌نگری، شکلی از تحلیل «چه می‌شود اگر» است و در کتاب درسی شرمین کنت^{۲۰} در این سرفصل ارائه شده است (دولت ایالات متحده، ۲۰۰۹).^{۲۱}

17 politicization

18 World Religion Database

19 (Armanio, 2004)

20 Sherman Kent

21 (U.S. Government, 2009).

منابع

- Armanio, Febe, *Islam: Sunnis and Shiites*, Washington, D.C.: Congressional Research Service, February 23, 2004.
- Central Intelligence Agency, *World Factbook*, individual country entities, undated. As of March ۲۰۱۷: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/>
- Chamie, Joseph, *Religion and Fertility: Arab Christian- Muslim Differentials*, Melbourne: Cambridge University Press, 1981.
- Dobbins, James, Philip Gordon, and Jeffrey Martini, *A Peace Plan for Syria III: Agreed Zones of Control, Decentralization, and International Administration*, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, PE-۲۳۳-RC, 2017. As of April 14, 2017: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE233.html>
- Izady, Michael, "Gulf 2000 Project," New York: Columbia University, School of International and Public Affairs, 2013. As of April 13, 2017: http://gulf2000.columbia.edu/images/maps/Evolving_Shia_Crescent_2015_lg.png
- Lebanese Information Center, *The Lebanese Demographic Reality*, January 14, 2013. As of February 3, 2017: <http://www.lstatic.org/PDF/demographenglish.pdf>
- Pew Research Center, *Mapping the Global Muslim Population: A Report on the Size and Distribution of the World's Muslim Population*, Washington, D.C., October 2009.
- Pew Research Center, *The Future of the Global Muslim Population: Projections for 2010–2030*, Washington, D.C., January 2011.
- United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, "Lebanon Overview," February 2016.
- U.S. Government, *A Tradecraft Primer: Structured Analytic Techniques for Improving Intelligence Analysis*, March 2009.



Report Code : 97-55

The Future of Sectarian Relations in the Middle East

RAND Corporation

**Translated By
Presidential Center for Strategic Studies
2018**